

یدالله رؤیایی

بیرون تراز من

باستان‌های غار خجسته تراز حور
زیباتر از پری

سال‌های من از رفتار می‌مانند
وقتی کُنام در بازگشت
دیگر کُنام نیست

چه پرسه‌های چقدر کی؟
در وقت‌های چقدر دور!
آن‌جا
در نوع آخرِ آخرِ نوع انسان
آن‌جا
باز آن‌جا
همیشه آن‌جا

ترتیب از شماره می‌افتد
مثل شماره از ترتیب
درونی که خود را
با خود می‌برد
و می‌گذارد بیرون
- طَیِ تاریک! -

و مرگ
که می‌تراشد از خود مرگ.

در ظلمت زبان...

در ظلمت زبان عصب بیدار
صورت تاریک خواب را
دورتر از خواب می‌برد

دورتر از وقت
شب می‌کند لغت

و وقت‌های دور

- عبارت تاریک سرگذشت -

تاریخ وقت را تو لَدِ ظلمت
از خواب از لغت
و هر دو در برابرِ شب

آن وقت‌های مجهول
آن وقت‌های گم

آن وقت‌های طَیِ لغت‌های دور
آن وقت‌های دفتر و دستور